

این مجموعه با اجازه محفل مقدس روحانی ملی ایران شیدالله ارکانه بتعداد محدود بمنظور حفظ تکثیر شده است ولی از انتشارات مصوبه امری نمیشد .

شهرالقدره ۱۳۳ بدیع

این مجموعه در تاریخ ۱۱ شهرالقدره ۱۳۳ مطابق

۲۲ / ۸ / ۱۳۵ از جناب مهندس روح الله خمسی

علیه بھاءالله امانتاً دریافت و پس از تهیه فتوکپی

اعاده یافت .

*** ص ۱ ***

جناب میرزا علی اکبر میلانی علیه بھاءالله

بسمی المنادی بین الأرض و السماء

قد حضر احد اغصانی الّذی سُمی بیدیع الله بکتابک و عرضه أمام الوجه

اجبناک بهذا اللّوح المبین تالله قد ظهر ما لا ظهر فی العالم

و نطق مکلم الطّور بما لو یلقی علی الجبال لتطیر و لو علی الأرض تظهر

خزائنھا و لو علی السّماء تنفطر فی الحین طوبی لک بما شربت رحیق البیان

من ید عطاء ربک الرّحمن وَ فُزْتَ بما کان مرقوماً من القلم الأعلى

فی الصّحیفه الحمراء کذلک نطق جمال القدم فی هذا المقام الرّفیع

حُذِ الكتاب بقوّة لا تمنعک قوّة المعتدین البهّاء المشرق من

*** ص ۲ ***

افق سماء عنایتی علیک و علی الذّین اقبلوا الی الأفق الأعلى و قالوا

لّبتیک لبتیک یا مولی الوری و لبتیک لبتیک یا مقصود

من فی السّموات

و الارضین

*** ص ۳ ***

هو الأبهى

جناب میرزا علی اکبر میلانی علیه بهاء الله الأبهى ملاحظه نمایند

هو الأبهى یا من اشرق وجهه بنور محبة الله و شرب كأساً دهاقاً من صهباء معرفة الله
عطرالله مشامک من نفحاته و احيا فؤادک بنسماته التي تهب من رياض
عنايته قد تلوث ما غنت به حمامة الذکر في حديقة التناؤ
على الرب المجيد الذي بظهوره تنزل اركان الشرك و تأسس

بنیان التوحيد كالقصر المشيد و انكشفت حجبات الوهم و انشق

*** ص ٤ ***

غمام الجهل و ايد المخلصون بكشف الغطاء عنهم و بصر حديد و قاموا على
اعلاء كلمة الله بقوة لا يقاومها جنود من في السموات و الارضين
ای حمامه حديقه وفا نفحات جانبخش که در حديقه محبت الله از حنجر روحانی
آن روح قلوب دوستان الهی ظاهر شده بود بگوش مشتاقان جمال رحمن
رسید حمد خدا را که از کاس عنایت نوشیده اید و بسماء الطاف
خفیه حضرت عزّ احدیت عروج فرموده اید و به ثنای جمال مبین قیام
نموده اید و در کتابت کتاب اقدس مهارت خطیه را واضح آشکار
فرموده اید عظم الله اجرک و کثر خدماتک لأمرالله و اجرى
قلمک و مدد مدادک این هدیه کبری بسیار مقبول و محبوب واقع
مشام از نفحاتش معطر و بصر از مشاهده اش منور گشت طوبی
لک من هذا السعی المشکور الذى بذلته فى كتابة الرق المنشور و
اللوح المحفوظ و الكتاب المسطور ولكن من بعد بواسطة چاپار کتاب

*** ص ٥ ***

ارسال مفرمائید زیرا تسلیم نمی نمایند بلکه بحسب قانونشان اعاده باسلامبول
میکنند و در آنجا ضبط مینمایند این دفعه فی الحقیقه باعانت غیبیه
کتاب گرفته شد و الا ابدأ اخذش ممکن نبود و هذا ایضاً من
فضل الله علیک ایها الحبيب الوقور و البهاء و الروح علیک ع ع
جناب میرزا علی اکبر میلانی

هو الأبهى ای علی نورانی در این بساط رحمانی تمکنتی جو و در این جنت
بهمائی تفسیحی و در این بحر صمدانی تعمقی و در این گیسوی مشکبوی
دلبر یکتا تعلقی و در این مسجد اقصی تهجدی و در این عشق و شور
و شیدائی تلخ و تهنکی در نامه مجنونان از نام من آغازند
زین پیش اگر بدم سر دفتر دانائی و البهاء علیک و

*** ص ٦ ***

هُوالأبهى

سمرقند جناب میرزا علی اکبر علیه بهاء الله الأبهى ملاحظه نمایند

هُوالأبهى ای منجذب الطاف ربّ قدیم در این حشر اعظم که آفتاب فلک قدم

در نقطه احتراق طلوع نمود چنین حرارتی مبذول داشت که آنچه در هویت

اراضی قابلیات و کمون حقائق موجودات مستور و مکنون بود بعرضه

شهود قدم گذاشت هر تخمی انبات شد و هر دانه روئیده گشت

یکی سنبل و ریحان بیار آورد و دیگری گل صد برگ خندان و دیگری خار

و خس بی پایان شجری میوه مبارکی داد و درختی زقوم مشئوم تلخی

هر کام این شکوفه و ازهار و بدایع ثمار و زقوم و خار احوال و

اطوار و اعمال است زهار بگفتار کفایت منما در خوشی رفتار

بکوش و بمجّزّد اقوال قناعت مکن افعال را محک

*** ص ٧ ***

اعتبار بدان و البهَاء علیک ع ع

هُوالأبهى

عشق آباد جناب میرزا علی اکبر میلانی علیه بهاء الله الأبهى ملاحظه نمایند

هُوالأبهى یا من توجه الی الملکوت الأبهى هنیئاً لک بما شربت کأس البقاء

من ساقی الوفاء و نطقت بالثناء فی ذکر اسم ربّک الأعلى و

سمعت نداء الله من خلف سرادق العظمة و الکبرياء و وجهت وجهک

للذی فطر الأرض و السموات العلی و تَحَنَّنْتَ و اسَلَمْتَ و ابْتَهَلْتَ و

تَضَرَّعْتَ و تَبَتَّلْتَ الی ربّک الکریم و النّبأ العظیم و فسمع مناجاک و قبل

منک دعائک و فاض علیک غمام رحمانیته و تجلّی علیک انوار

وحدانیته و اجارک فی جوار جود فردانیته ینبغی لک ان تشکر

ربّک علی هذه المنحة الربّانیة الموهبة الرحمانیة و العطیة الفردانیة

*** ص ٨ ***

انّ فضل ربّک علیک عظیم جلیل و البهَاء علیک عبدالبهَاء عبّاس

هُوالأبهى

هو الله

برای اطلاع خوانندگان محترم بعرض میرساند در

سنه هزار و سیصد و دوازده هجری که این بنده در

عشق آباد بودم روزی بحضور مبارک حضرت

عبدالبهَاء روحی و ارواح العالمین لرمسه الأطهر فداء

عریضه عرض می کردم در اواخر عریضه حالم منقلب

و با نهایت تضرع و ابتهاال بآستان مبارک جمال

اقدس ابھی جل اسمه الاعلی توجه نموده رجا و تمنای

صدور اجازه تشرف بآستان مبارک نمودم پس از

چند روز که هنوز عریضه بحضور مبارک نرسیده بود

این لوح مبارک رسید که اجازه تشرف عنایت فرموده

بودند معلوم شد همان روزی که عریضه عرض شده

جواب صادر فرموده اند تعالی علمه المحیطه علی

العالمین

فانّه علم اکبر روحانیه میلانی

جناب ميرزا علي أكبر عليه بهاء الله الابهي ملاحظه نمايند

هو الأبهى الهى الهى هذا عبداً من عبادك و شاب نشأ في ولائك و توجه
الى مطلع عطائك و مشرق وفائك و افق جلالك و كبرياتك
و صدق بكلماتك و فرح من بشارتك و آمن بأياتك و ادرك
بيناتك و كتب صحفك و الواحك و انقطع عن اهله متوجهاً الى كلمة
وحدانيتك و خرج عن بيته قاصداً حرم كبرياتك و ترك وطنه سارعاً
الى بقعتك التوراء و روضتك الغناء و حديقتك الغلباء و
جنتك الابهي حتى يطوف مطاف الملأ الأعلى و يرى آيات ربه
الكبرى و يشاهد آثار قدرتك العظمى و يدرك اشارات صحفك الأولى
*** ص ٩ ***

و بشارات مطالع وحيك في القرون التي مضت في كتبك المنزلة من
السماء ايرب كما ايده أن يعفر وجهه بتلك التربة الطاهرة و ينور جبين
مبينه بالأنوار الساطعة من تلك البقعة الباهرة وفقه على الرجوع
على بلادك و ديارك حاملاً قميص يوسف هدايتك لتعقب رائحة
طيبة معطرة مقدسة في تلك الارحاء و الانحاء ايرب ايده بقوتك
القديمة النافذة في حقائق الأشياء و كن له ظهيراً في جميع الشئون و
الأمر و الأحوال و اجعله ثابتاً راسخاً على عهدك و ميثاقك
لأن هذا مدار كل خير خلقته في ملكوت الأنشاء و مؤيد مجنود ملكوتك الأبهى
و ما دونه فرعه و التوابع الملتزمة لهذا الأصل الأوفى أنك فعلاً لما
تشاء و أنك انت المقتدر الرحمن الرحيم ع ع
هو الأبهى

جناب ميرزا علي أكبر ابن آقا محمد رضا ميلاني عليه بهاء الله الأبهى ملاحظه
نمايند

*** ص ١٠ ***

هو الأبهى يا الهى و سيدي و رجائي هذا عبدك قد تضرع الى حضرة باب حطتك
التي من سجد لها نجى و من دخل في الباب اهتدى و استوقد نار
الهدى و انجذب بنفحات عبققت من حدائق الملكوت الابهي و ابتهل
بقلبه و روحه و فؤاده أن تغفر له خطايا و تشمله بلحظات عين رحمانيتك يا
مغيث من ناجاه فاشفق به يا رب الأرباب و احفظه بعين رعايتك
يا مسبب الاسباب و اغرقه في بحر فضلك يا مؤيد الأحاب و
اجعله آية غفرانك و مظهر احسانك أنك انت التواب و اجعله ثابتاً
راسخاً على عهدك و ميثاقك يا معطي الثواب و أنك انت الكريم

الوهاب ع ع جناب ملاً احمد و آقا میرزا حسین اخویان را از قبل
این عبد تکبیر ابدع ابھی ابلاغ فرمائید و البهآء علیهما

*** ص ۱۱ ***

هُوالله

عشق آباد جناب میرزا علی اکبر میلانی علیه بهآء الله الابھی ملاحظه نمایند

هُوالله یا من تمسک بذیل التقدیس مکتوب مرسل نزد جناب آقا سید تقی

علیه بهآء الله الابھی ملاحظه گردید از نفحات ریاض معانیش بوی خوش
روح و ریحان استشمام شد در این عصر روحانی هر نفسی بر عهد و میثاق
ثبوت و رسوخ بنماید جنود ملاً اعلیٰ ظهیر و نصیر اوست و در هر آنی بتأیید جدیدی
موفق گردد در جمیع اوقات در خاطر بوده و هستید از فضل الهی آملمیم
که چنان بنار موقده عهد و میثاق برافروزی که هر متزلزل افسرده را مشتعل
فرمائی و البهآء علیک ع ع دو اخوان آنجناب جناب ملاً احمد
و جناب آقا میرزا حسین و جناب آقا محمد را از قبل این عبد تکبیر ابدع
ابھی ابلاغ فرمائید از عنایت جمال مبارک امیدوارم که در هر روزی
بتأیید جدیدی مؤید شوند و البهآء علیهم اجمعین ع ع

*** ص ۱۲ ***

هُوالله

عشق آباد جناب علی اکبر ابن محمد رضای میلانی علیه بهآء الله الابھی ملاحظه
نمایند

هُوالله ای بنده مقبل آن نور مبین چون شمع روشن در انجمن عالم برافروخت

و پروانگان گلشن رحمان حول آن سراج و هاج طائف گشتند و جز از حق
از نفسی خائف نشدند و جان رایگان قربان نمودند و منت از قاتل
داشتند و لب شمشیر بوسیدند و بمنتها آمال خویش رسیدند و از
شهد وصال حضرت ربّ متعال چشیدند ملاحظه کن که آن کاس چه
صهبا و شهدی بود که چنین مستی و شیرینی داشت که مذاق شاربین شیرین
و حتی کام سامعین شکرین گشت و این حلاوت از مذاق و این
لذت از کام تا ابد الابد نرود و البهآء علیک ع ع

هُوَ اللهُ

عشق آباد جناب میرزا علی اکبر علیہ بھاء اللہ الأبهی ملاحظہ نمایند

هُوَ اللهُ ای ثابت راسخ بر پیمان رحمن آنچه مرقوم نموده بودید ملاحظہ گردید

از مضامین دلنشین قلوب ثابتین را روح و ریحان بیبایان حاصل و
از معانی شکرینش مذاق روحانیان شیرین گشت سبحان الله
آندل پاک در مدینه عشق و این قلوب در قلعه سجن چه ارتباط عظیمی در
میان و چه الفت قدیمی ظاهر و عیان چه که ارواح طاهره ثابته
بر میثاق الیوم جنود مجتده ملکوت ابھی هستند يك تیب لشکر حیاتند
و یک صف جنود نجات احزاب متزلزلین را از میدان بدوانند
و اوراق شبهات منتشره را ارجاع بصاحبانش نمایند از ذکر
اسم این مظلوم بتعظیم گول نخورند و از شکایت از احباب ثابته
راسخه بر عهد و پیمان بفهمند که این بمانه است و مقصد اصلی شخص دیگر است

و چنان فطن و زکی و پر فراستند که از نشریات و تمسک بمتشابهات
ادراک نمایند که مقصود القای شبهات است و متزلزل نمودن در عهد
و میثاق باری دو مکتوب در جوف است بصاحبانشان برسانید
والبهاء علیک و علی کلّ ثابت راسخ علی میثاق الله ع ع

جناب میرزا علی اکبر میلانی علیہ بھاء اللہ الأبهی

هُوَ الْأَقْدَسُ الْأَبْهَى بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ يَا أَلْهِی وَ مَلْجَأِی

و ملاذی انّی کیف اذکرک بأبدع الأذکار و افصح المحامد و التّعوی
یا عزیز یا غفّار و اری انّ کلّ فصیح و بلیغ و ناطق و واصف کلّ لسانه
فی نعت آیه من آیات قدرتک و وصف کلمة من کلمات انشاءک
و انّ طیور العقول انکسرت اجنحتها عن الصّعود الی هوآء قدس احدیتک
و عناکب الأوهام عجزت أن تنسج بلعابها فی اعلى ذروة قباب عرفانک

إذا لا مقرر لی الا الاقرار بالعجز و القصور و لا مقرر لی الا وهدة الفقر و
الفتور فأنّ العجز عن الادراک عین الادراک و القصور عین الحصول و الاعتراف
بالفقر عین الاقتراف ربّ ایدنی و عبادک المخلصین علی عبودية
عتبتک السامیه و التبتلّ الی حضرتک الرّحمانيه و التّخشع لدى

باب احدیتک ایربّ ثبت قدمی علی صراطک و نورّ قلبی بشعاع
ساطع من ملکوت اسرارک و انعش روحی بجهوب نسمة هابة من
حدائق عفوک و غفرانک و فرّح فؤادی بنفحة منتشرة من رياض قدسک
و بیض وجهی فی افق **سماء توحیدک** و اجعلنی من عبادک المخلصین
و من ارقائک الثابتین الزاسخین ع ع
عشق آباد جناب میرزا **علی اکبر** علیه **بهاء الله الأبهی**

هو الله ای مرغ چمن **بآهنگی** بغزلخوانی آغاز ترانه نماکه سگان انجمن بالا

*** ص ۱۶ ***

در اهتزاز و حرکت آیند و چنان گلبانگی بران که شجر و حجر و مدر متأثر
بنغمه باریدی و مزامیر داودی در محافل و مجالس تقدیس و تسبیح آهنگ ساز
و آواز نماکه ملائکه **ملا اعلی** در فرح و سرور آیند و روح و ریجان حاصل نمایند
و البهآء علیک و علی کلّ ثابت علی الميثاق ع ع

عشق آباد جناب میرزا علی اکبر میلانی علیه **بهاء الله الأبهی**

هو الأبهی ای ثابت بر عهد چه ستایشی الیوم اعظم از این عنوان است و
چه مدحی ابداع از این مدح هیاکل توحید الیوم آرزوی این مقام مینمایند
و جواهر تقدیس تمنای این رتبه را میفرمایند الحمد لله تو بر عرش این
مقام جالس و بر کرسی این رتبه مستقر پس سریر شهریاری عالم
روحانی بنه و در کمال اجهت و شهامت سلطنت بران
لعمرا لله انّ الثبوت و الرسوخ سلطان یفوق سلطنة الدنيا

*** ص ۱۷ ***

و عزّة ملوک الأولین و الآخرین و الحمد لله ربّ العالمین ع ع

هو الله

جناب میرزا حسین جناب ملا احمد جناب میرزا علی اکبر علیهم **بهاء الله الابهی**

هو الله ایها النفوس الملتهبة بالنار الموقده انی لأشکر ربّی و اثنی علیه
بما هدیکم الی صراطه السّوی الّذی امتدّ بین الأرض و السّماء و اوردکم
الی شرایع القدس موارد بحر القدم و سقاکم من العذب الفرات
السّائغ الشّراب و احیی قلوبکم بنفحات الله و شرح صدورکم
بنسائم هبت من ریاض ملکوت الابهی لعمرا لله انّ هذا هو
الفضل العظیم و الفوز المبین و الجود القديم اذاً **فاشکروا له**

و احمدوه على هذه المنحة الكبرى و الموهبة العظمى و البهاء عليكم
ايها الثابتون على ميثاق الله ع ع

*** ص ١٨ ***

هُوالأبهي

عشق آباد جناب آقا ميرزا علي أكبر عليه بهاء الله الأبهي

هُوالأبهي يا من بذل الروح في خدمة امرالله الحمد لله خدماتت در درگاه جمال

ابهي مقبول و مرغوب و در نزد اهل ملكوت اعلى محبوب و مطلوب
ديگر چه آرزو داري و چه ميطلبي منتها آمال ملاً اعلى رضایت جمال ابهي
و رضایتش در خدمت امرش دعا کن خدا مرا نیز دستگیر شود و در
زمره خدام آستانش بنده حقیر گردد قسم بروی و مویش که بسلطنت
ملكوت برابری نماید و البهاء عليك يا خادم امرالله ع ع

هُوالأبهي

حيفا جناب آقا ميرزا علي أكبر عليه بهاء الله الأبهي

هُوالأبهي

*** ص ١٩ ***

هُوالأبهي ای بنده درگاه جمال ابهي مکتوب شما ملاحظه گردید و رؤيا نیز مطالعه
شد از عنایات حضرت غیب هویت استدعا مینمائیم که آن کلاه خدمت
و عبودیت درگاه احدیت را بر سر نهی و بر جمیع سروران عالم افتخار نمائی
زیرا جواهر و یواقیت تاج عبودیت از معدن حقیقت است و گوهر
تاجها از معدن تراب آینَ هذا من هذا و البهاء عليك ع ع
هُوالله

عکاً جناب آقا ميرزا علي أكبر ميلاني عليه بهاء الله الأبهي

هُو المقصود ای جوان رحمانی اثر کلک حقیقت نگار که در بیان عبودیت

آستان مقدس ترجمهء حال عبدالبهاء بود ملاحظه گردید از بشارت نیابت
در زیارت نهایت مسرت میسر گردید حقیقت وجود سر بسجود نهاد که
الحمد لله در تشریف باستان دوست نواب مقبول الزیاره داریم و

*** ص ٢٠ ***

در اکتساب فیوضات قدسیه و کلاهی شدید الضراعه یافتیم این زمان
جانم بشارت یافته مزده وجد و مسرت یافته شما در آن گلشن الطاف
داخل شدید مشام من معطر گشت شما مشاهده آن انوار نمودید چشم من

منور شد و لِلأَرْضِ مِنْ كَأْسِ الْكِرَامِ نَصِيبٌ باری جمیع مسافریں
جمال قدم و ضیوف اسم اعظم و فدائیان مجاورین ربّ اکرم را
تکبیر ابداع ابھی ابلاغ نمائید ع ع

هو الأبهی

جناب زائر مطاف اهل ملکوت ابھی آقا میرزا علی اکبر علیہ بھاء اللہ الأبهی

هو الأبهی ای زائر مطاف سبّوحیان حمد خدا را نما کہ بأنوار فیوضات الهیہ

مہتدی گشتی و از فیض بحر سرمدی مستفید شدی و از نار

موقدہ در سدرہ سیناء مقتبس گشتی و از کوثر حیوان حیات یافتی

*** ص ۲۱ ***

و در ظلّ شجرہ نجات آرمیدی و بنشر نفحات پرداختی و بہ تبلیغ

امر اللہ قیام نمودی و بزیارت روضہ مبارکہ مطاف مقررین ملکوت

ابھی فائز گشتی و مدّتی مدیدہ با ما بودی و گفتگو نمودی و الفت

و مؤانست جستی حال در کمال خضوع و خشوع در عبودیت و بندگی

عبید درگاہ جمال ابھی با عبدالبہاء مرافقت نما و موافقت کن

پیش کل فانی باش و نزد جمیع فارغ از ہستی شو و چنان شعلہ در

اطراف بزین کہ خودت و جمودت را بکلی از آن اقالیم زائل نمائی و

تعالیم الهی را دستور العمل دانی و قاصی کنی تا کلّ در ظلّ خیمہ یکرنگ

امر اللہ با کمال اتّحاد و اتّفاق بجوشند و بگویند و بشنوند

الہی الہی هذا قَضِيبٌ رَطِيبٌ حَضِلٌ نَضِرٌ نَضْبَةٌ فِي شَوَاطِئِ

جَدَاوِلِ مَاءٍ عَنَائِكَ فِي حَدِيقَةِ رَحْمَانِيَّتِكَ وَ اَيُّكَةِ مَحَبَّةِ جَمَالِ

فَرْدَانِيَّتِكَ اَيَّرَبِّ اَسْقِهِ مَاءَ الرَّحْمَةِ وَ رَبِّهِ بِاِيَادِي الْفَضْلِ

وَ الرَّأْفَةِ وَ اجْعَلْهُ مُنَادِيًا

*** ص ۲۲ ***

بِاسْمِكَ فِي الْاَنْحَاءِ وَ نَاشِرًا لِذِكْرِكَ فِي الْاَرْجَاءِ وَ نَاشِرًا

لِلْغَالِي مَعْرِفَتِكَ عَلَي رُؤْسِ الرَّجَالِ وَ مُوقِدًا لِنَارِ مَحَبَّتِكَ فِي

قُلُوبِ الْاَحْبَاءِ اِنَّكَ اَنْتَ الْمُقْتَدِرُ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ الْوَهَّابِ ع ع

هو الأبهی

جناب میرزا علی اکبرخان علیہ بھاء اللہ الأبهی ملاحظہ نمایند

هو الأبهی الہی الہی هذا ریحان حدیقة ولائک و شجرة موقنة باسقة فی ریاض

احسانک ایربّ احفظها من زوابع الأمتحان و شدائد ریاح الافتتان

فی هذا الأوان الّذی استأصلت اشجار النفوس و اقتلعت من

اصولها بقوّة تحیرت منها العقول ایربّ آرو هذه الدّوحة من معین
عنايتک و احرسها بعین رعایتک و احفظها فی ظلّ حمايتک
و ادم عليها فیض غمام رحمتک و اشملها بلحظات اعین صمدانیتک
*** ص ۲۳ ***

و اجعلها مبارکة مثمرة بأثمار توحیدک فی فردوس تمجیدک و محضرة
مورقة مزهرة بازهار کمالات تحققت فی هذه النشأة الأنسانیة
بفیضک الشامل و فضلک الکامل و جودک السائل و
لطفک الوافر أنّک انت الرّحیم الکریم ع ع

هُوالله

ط جناب آقا میرزا علی اکبر میلانی علیه بهاء الله الأبهی

هُوالله ای مرغ پر آه و ناله بلبلان را حنین و انین و آه و زاری مقبول
و محبوب و مطبوع از اینجهت است که جواب از عدم فرصت
دیرتر داده میشود تا باه و فغان آئی و بنغمات و الحان بدیعت در
گلستان بسرائی از هزار هزار دستان فغان سحری خوشتر
و از حمامه حدیقه عشق فریاد و ناله صبحگاهی بخت و مطبوعتر من
*** ص ۲۴ ***

جواب ننگارم تا فریاد و فغان برآری و دفتر گله بگشائی ای با انصاف
خود بدیده خود مشاهده نمودی که دقیقه فرصت ندارم و آنی آرام نه با وجود
این چگونه گله میفرمائی البتّه باید جرمه بدهی مکتوبی بجهت احتشام الأدباء
در جواب مرقوم میشود ع ع

هُوالله

ط جناب آقا میرزا علی اکبر میلانی علیه بهاء الله الأبهی

هُوالله ای ثابت بر میثاق مضامین نامه شکرین معلوم و مفهوم گشت هر چه
ناله و فغان نمائی حق با شماست تشنه چشمه سلسبیل طلبد و دردمند
درمان روحانی جوید حربا پرتو آفتاب خواهد و بلبل مشاهده جمال
گل آرزو کند و هر چه فریاد و فغان نماید معذور و ممدوح و مشروع
لهذا ناله ات را تأثیری شدید بود و فغانت را شورشی عظیم عبدالبهاء را
*** ص ۲۵ ***

آرزو چنان است که هر دم همدم یاد یاران باشد و بذکر دوستان پردازد
ولی مشاغل و غوائل بدرجه که وصف نتوان علی الخصوص چندی بود
که مزاج در نهایت ضعف بود و علل مزمنه متعدده موجود الحمدلله

بفضل و عنایت جمال ابھی کل زائل شد در این چند ماه در تحریر فتور حاصل گشت اگرچه يك سطر کفایت است و يك کلمه دلیل بر منتهای عنایت همیشه در عالم دل و جان مذکور و از الطاف بیپایان جمال ابھی مستدعیم که موفق بخدمت کبری گردی و مؤید بنشر نوحات الله نطق فصیحی بنمائی و زبان بلیغی بگشائی و در مجامع روحانیان چنان بیان کنی که سرّ تبیان بنمائی از کلمه با انصاف مراد مزاح بود نه اعتساف انسان در وقت هیجان محبت در عالم دل و جان هوس مزاح نماید و میل بشوخی کند چون در وقت تحریر عواطف قلبیه بجوش آمد لهذا مفاکحه و مزاح گردید مطمئن

*** ص ۲۶ ***

باش نفس مزاح دلیل بر انشراح ارواح است و شبهه ئی در این نیست پس شکر کن خدا را که با تو شوخی باین خوبی شد و این دلیل بر نهایت حُبّ روحانی بود الحمدلله اعلیحضرت شهریارى محفوظ و مصون بمقرّ حکمرانی مراجعت فرمودند و در این سفر در هر کشور نوعی حرکت فرمودند که سبب سرور و حبور این آوارگان شد زیرا در کمال وقار و سکون و مهربانی و بزرگواری حرکت کردند احتبای الهی باید بشکرانه این منقبت پادشاهی در اطاعت و انقیاد و خیرخواهی و خدمت بسریر تاجداری نهایت همت را بنمایند و شب و روز بأدعیه خیریه اعلیحضرت شهریارى مشغول گردند در غیوبت ملوکانه لازم بود که احبّا بمنتهای حکمت حرکت نمایند حال که مراجعت فرمودند وجود پادشاهی مانع گستاخی هزله و رذله و خذله است البتّه دوستان الهی در نهایت راحت و آسایش ایام را بسر میبرند باید فی الحقیقه پاس التفات چنین پادشاه مهربانی را داشت

*** ص ۲۷ ***

تا مظهر و لئیس شکرتم لازیدنکم گشت یعنی حضرت کبریا این نعمت عظمی را مزداد میفرماید دیگر جمیع دوستان را بکمال شوق تحیت برسان و بگو ای ثابتن بر پیمان جوش و خروشی ای یاران مهربان جذبه و شوقی ای عاشقان جمال رحمن ناله و فغانی و ای سرمستان باده الست ذوق و طریی وقت را از دست مدهید و فرصت را غنیمت شمارید و قتی آید که آرزوی یکدم از این ایام نمایند حال شما الحمدلله در این سعد مستترید ملاحظه کنید که چه قدر شکر باید بنمائید و چه شعله باید بزنید و چه شمعی باید بیفرورید و چه صیحه ئی باید بلند کنید افسرده مرده است محمود محمود نه صامت ناطق نیست خفته بیدار نه غافل آگاه نه آسایش جان سوختن بنار محبت رحمانست

و راحت وجدان تحمل مشقت در سبیل جانان و علیکم البهاء

ع ع

*** ص ۲۸ ***

بواسطه جناب امین طهران جناب آقا میرزا علی اکبر میلانی علیه
بهاء الله الأبهی

هُوالله ای مونس عبدالبهاء بجان و دل در خدمت امر سعی بلیغ نمودی

و جهدی عظیم داری نشر آثار کنی و انتشار اوراق فرمائی
جناب امین نهایت توصیف را از شما مینماید که الحمدلله بر خدمت
امر قائم است و بر عبودیت آستان مقدس موفق جز محبت
نیر آفاق سودائی نداند و بغیر از عبودیت آستان مقدس کار و
آرزویی ندارد شب و روز نهایت آمالش محبت و الفت
بیاران است و در این سلسبیل جانفشان این عبد از این
خبر نهایت روح و ریحان یافت و از جمال قدم مستدعیم که
توفیق همدم گردد و تأیید دمساز و علیک التحیة و الثناء ع ع

*** ص ۲۹ ***

هو طهران جناب آقا میرزا علی اکبر میلانی علیه بهاء الله الأبهی

هُوالله ای ثابت بر پیمان تحریرت تأثیری عجیب داشت زیرا آه و

فغان از دست نفس بی امان از خصائص تضرع و تبتل اهل ایمان است
و سبب تقرب بحضرت رحمن این بصیرت سبب تنبه است
و انتباه سبب تذکر و تفکر این است که میفرماید تفکر ساعة خیر
من عبادة سبعین سنة معلوم است تسلط نفس بر انسان
مانند تحکم سلطنت قاهره است و ما در پنجه آن اسیر و تحت سلاسل و اغلال
و زنجیر ولی امید بصون حفظ و حمایت حضرت وحدانیت داریم
حضرت یوسف صدیق فرموده إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي
و تا انسان متنبه باین قصور است متنبه و در سایه عنایت رب غفور
و بمحض اینکه ادنی غفلت یابد مریای غرور گردد و معدن شرور پس شکر

*** ص ۳۰ ***

کن خدا را که متنبه بوساوس نفسی و دسائس بیمنتها مرقوم نموده بودید
که در مطبوعه سلطانی بخدمت مشغولید البتّه در نهایت صداقت و امانت
و همت و غیرت و راستی و خیرخواهی خدمت بدولت نمائید اگر

دولت حامی مظلومان نبود ملاحظه مینمودید که زاهدان ریاکار چه میکردند
و علمای بی انصاف چه مینمودند و علیک التَّحِيَّة والتَّنَاء ع
طهران جناب آقا میرزا علی اکبر میلانی علیه بهاء الله

هُوَالله ای بنده حضرت رحمن چندی پیش اوراق مسطور مرسل گشت
البتَّه تا بحال ملحوظ گشته و حال نیز بتکرار مرقوم میشود الحمد لله حضرات
مفسدین معلوم و در نزد اولیای امور پاکی و آزادگی و خیرخواهی و راستی
یاران الهی محقق مثبت شد چندی پیش مکتوبی بطهران ارسال شد
و اجبای الهی را تأمینات لازمه و بشارت داده گشت که از شماتت

*** ص ۳۱ ***

مفتریان و تهمت مبغضان افسرده و ملول مگردید عنقریب مفسدین معلوم
شوند و رسوای عالم گردند الحمد لله که در پیشگاه سریر تاجداری و در
حضور صدارت پناهی معلوم و واضح گشت که متجاسران و مفسدان
بیگانگانند نه آشنایان این حزب مظلوم بنصوص قاطعه مأمور باطاعت
و صداقت بسریر سلطنت کبری هستند زیرا خیانت پادشاه پاکدل
سبب نعمت و عقوبت خداوند عادل گردد در خصوص طبع
الواح مرقوم نموده بودید اگر ممکن باشد و حکمت اقتضا کند **صراحتاً از** اعلیحضرت
شهریاری یا جناب صدارت پناهی استیذان نمائید که الواح
اشراقات و تجلیات و بشارات را از اروپا و امریکا خواستند
که بانگلیسی و فرانسوی در کمال بلاغت ترجمه شود و اصل با ترجمه ها طبع
گردد و ارسال **بآن صفحات** شود زیرا طلاب بسیار است و
خریدار بیحد و شمار اگر چنانچه مصلحت است ترجمه و طبع شود

*** ص ۳۲ ***

و ارسال آن صفحات گردد اگر بصرافت طبع و طیب خاطر شهریاری عادل اذن و
اجازه فرماید طبع نمائید و رأساً ارسال امریکا و پاریس نمائید و الا ابداً
مخالف رأی جهان آرا ادنی حرکتی **نمائید** و خود آنجناب متکفل این خدمت شوید
و علیک التَّحِيَّة والتَّنَاء ع
هو

طهران جناب آقا میرزا علی اکبر میلانی علیه بهاء الله

هُوَالله نامه شما رسید و مضمون معلوم گردید در خصوص لقب ملکوتی بجهت
حضرت صنیع مرقوم نموده بودید که ایشان را آرزو چنان است که در درگاه الهی
بذکری مذکور گردند و بلقبی مخصوص لهذا حضرت صنیع در درگاه حق
بیدیع الموهبه مشهور و من امیدم چنان است که معنا و حقیقت هر

لقبی در هویت ایشان مجسم گردد تا حقائق و معانی هر صفتی مانند انوار از

*** ص ۳۳ ***

زجاجه حقیقت ایشان ساطع و لائح گردد در خصوص الواح با ترجمه مرقوم نموده بودید که از اینجا ارسال شود در اینجا ما ترجمانی نداریم ابدأ که بتواند يك سطر از آثار مبارکه را ترجمه کند چگونه میشود در اینجا ترجمه کنیم و ارسال داریم و این عبد هم ابدأ مجال اینگونه امور را یعنی رسیدگی ندارد لهذا در همانجا هر چه از آثار مبارک که موافق مشرب اهل غرب است که جمیع امر بصلح و صلاح عمومی است و حُب و وفا با جمیع افراد انسانی و راستی و آشتی و دوستی بین کافه نوع بشری و عدم فساد و اتّفاق و اتّحاد و روش و سلوک اهل الله است آن الواح را بواسطه مترجم‌های ماهر در نهایت فصاحت و بلاغت و بأحسن عبارت در طهران ترجمه نموده طبع شود و الا در اینجا ابدأ میسر نیست و در امریکا يك ترجمانست و بس و آن بقدری کار دارد که تصوّر نتوان نمود اما دیگران بسیار در ترجمه ضعیفند و عليك التّحيّة و التّناء ع ع

هو الله طهران جناب آقا میرزا علی اکبر میلانی علیه بّمآء الله الأبعی

*** ص ۳۴ ***

هو الله ای جوان میلانی هیچ میدانی که الان در چه حالی بیاد تو مشغولم با وجود اینکه فرصت و راحت و آرامی بهیچوجه میسر نه ولی دل و جان بمحبت یاران متأثر و از فرقتشان متحسر است حضرت عکّاس ملکوتی انشاء الله مظهر تأییدات لاهوتی گردد روز بروز بر کمالات انسانی بیفزاید دویست و پنجاه عکسها واصل شد این عبد را آرزو چنان بود و مقصود چنین که اثری و نشانه در اینجهان فانی نداشته باشم بکلی محو و نابود و فانی و بی نشان گردم ولی تقدیر چنین بود که در بدایت جوانی بامر قطعی از فم مظهر عکسی بیندازم اما فراموش شده بود ندانم چه شد که در دست یاران افتاد تا در جمیع جهان منتشر گشت و بطرزهای مختلفه طبع شده حتی در روزنامه های بسیار مطبوع و منشور و مشهور گشت و بمحبت آن دلبر مهربان رسوای آفاق گشتم و عليك التّحيّة و التّناء

ع ع

*** ص ۳۵ ***

هو الله

طهران جناب آقا میرزا علی اکبر میلانی علیه بهاء الله الأبهی

هُوَالله ای یار جانی نامهء آن حبیب روحانی واصل و در طی آن نامه تصویر مقدّس

نورانی پیک رحمانی و قاصد یزدانی و سفیر الهی میرزا بدیع روحی له الفداء بود چون نظر بر آن تصویر منیر افتاد چشم روشن شد قلب منشرح گردید روح و ریحان یافت و چنان سرور و حبوری از این هدیه مقدّسه مقبوله حاصل گشت که وصف نتوانم البتّه اگر چنانچه ممکن است قدری دیگر از این تصویر مبارک ارسال باین ارض مقدّسه نمائید و علیک التّحیّة و الثّناء ع ع

هُوَالله

طهران جناب آقا میرزا علی اکبر میلانی علیه بهاء الله

هُوَالله * ص ۳۶ ***** ای ثابت بر پیمان مکاتیب آنجناب رسید و تصاویر انعکاسیه

حضرت پیک رحمن جناب بدیع جانفشان واصل و مشاهده اش سبب روح و ریحان گردید روحی له الفداء سبحان الله آن هیکل بدیع در نهایت رضا و تسلیم و قرار و تمکین در دست سه خونخوار اسیر چون مشاهده شود حالت عجیب دست دهد و انقطاعی عظیم حاصل گردد و علیک التّحیّة و الثّناء ع ع هوالله شابّ روحانی مصوّر ملکوتی حضرت عکاسباشی را از قبل عبدالبهاء کمال اشتیاق بیان نما از الطاف حق امیدوارم که در جمیع احوال مؤیّد و موفق گردند و علیه البهّاء و علیه التّحیّة و الثّناء ع ع جمیع دوستان را تکبیر برسان ع ع

هُوَالله

طهران جناب آقا میرزا علی اکبر میلانی علیه بهاء الله الأبهی

هُوَالله * ص ۳۷ ***** مکتوب شما واصل و تصاویری که ارسال فرموده بودید واصل گردید

مگر صد و چهل عدد از تصاویر حضرت بدیع که در پستخانه بغداد ضبط کرده اند از تصاویر این عبد در اینجا موجود است ولی اگر از تصاویر جناب بدیع ارسال دارید مقبول حضرت صنیع و حضرت عکّاس الملکوت را تحیّت مشتاقانه برسانید از حق میطلبم که ایشان و شما و کل را مؤیّد و موفق فرماید و علیک التّحیّة و الثّناء ع ع

طهران جناب آقا میرزا علی اکبر میلانی علیه بهاء الله

هُوَالله ای جوان رحمانی هر چند از میلانی **ولکن** الحمدلله مرد میدانی

و بجان مقیم آستانی عکسهای حضرت بدیع روحی لشهادته الفداء واصل و همچنین عکسهای حضرت غصن اطهر واصل و مشاهده اش

سبب روح و ریحان گردید از حق میطلبم که همواره بخدمات عتبه

*** ص ۳۸ ***

مقدسه موفق شوی و انشاءالله بانچه منتهی آمال و آرزوی دل و جان است مؤید خواهی شد مطمئن بفضل رحمن باش و معتمد بر فیض پیمان و ذلک من فضل الله یؤتیه من یشاء و الله ذو فضل عظیم ع ع
۹ طهران جناب آقا میرزا علی اکبر علیه بهاءالله

هو الله ای ثابت بر پیمان نامهء شما واصل شد و از مضمون بالام قلب محزون اطلاع حاصل گشت هر چند جام محن و آلام از برای کل سرشار است و هر نفسی بقدر خویش گرفتار زیرا از برای بشر در این توده اغبر نه راحت جان است نه کام دل نه مسرت وجدان شاعر ترک گفته است
یو قدر سپر بو گنبد فیروز فامده ذرات جمله تیر قضایه نشانه در ترکی میدانی حاجت بترجمه نیست اما بیگانگان هر چند نشانه تیر بلایند ولی از هیچ جهت تسلی خاطر ندارند زخمشانرا مرهمی نه و دردشان را

*** ص ۳۹ ***

درمانی نیست اما بندگان آستان مقدس را الحمدلله از جمیع جهات ابواب تسلی خاطر باز و گشوده و از هر جهت اسباب سرور مهیا و آماده اگر تیری آید در مقابل آن شکر و شیر حاضر و اگر سمّ نقیع موجود شهد بدیع مشهود زیرا در ظلّ ممدودیم و بر عین مورود و فائز برفد مرفود هر قدر بلایا و محن احاطه نماید چون عنایت جمال مبارک بخاطر آید ظلمات احزان زائل شود و نور روح و ریحان درخشد يك درد **ولی**
الحمدلله هزار درمان حاضر يك زخم **ولیکن** الحمدلله هزار مرهم موجود با وجود این فضل و موهبت دیگر چرا از **بلا** دلخون شویم و از جفا محزون گردیم **علی الخصوص** یاران الهی باید بعد از صعود مبارک هر بلا و مصیبتی را بجان خریدار شوند مقتضی **وفا** این است و آلا چه فرق میانء ما و سایر ناس باری مقصد این است که باید ابداً محزون و دلخون مباشید و هر بلائی را در نهایت سرور قبول نمائید

*** ص ۴۰ ***

بعالمی آئی که بی خبر از جهان و جهانیان گردی و مانند ملائکه عالین محو و حیران جمال ذوالجلال شوی و عليك التّحیة و التّناء ع ع

هُوَالله ای بنده صادق جمال ابھی فی الحقیقہ ایام عُسر امتداد یافت **ولی**
 اگر دقت نمائی در سنہ ماضیہ یُسر عین حُسر بود زیرا این آوارگان در نہایت
 مشقت و بلایا با وجود این اگر نفسی راحتی می جُست و رفاهیتی می یافت
 شریک و سهم این بینویان نبود حال الحمدلله شما نیز ایام را بمحن و
 آلام گذراندید و با ما اشتراك در ارتباك داشتید البتہ حال ثابتان
 بر میثاق تابع حال عبدالبهاسط طبق التعل بالتعل پس از
 فضل و موهبت پروردگار امیدوارم کہ حال کل خوش باشد
 *** ص ۴۱ ***

و فرح و سرور رخ دهد زیرا تسلط مفتریان قدری خفت
 یافته و عليك التَّحِيَّة و التَّنَاء ع ع
 ۹ طهران جناب میرزا علی اکبر میلانی

هُوَالله ای ثابت بر پیمان نامہ شیرین مضامین **وصول** یافت مزده
 داده بودید کہ از انجمنی کہ در منزل آقا سید حسن فراهم گردیده در **تزیید**
 مجالس تبلیغ مشورت گردیده و نہایت اتفاق بر این شده کہ نہ^۹
 مجلس اضافه گردد و در نقاط عدیده قرار یابد و مرقوم نموده بودید
 کہ منجمله کلبہ شما لانه و آشیانہ طیور شکور شد و در روز سه شنبہ گذشتہ
 شروع گشت این **رای** رزین و رصین است و سبب انتشار
 نور مبین نفوسی کہ بر انتشار تعالیم الهی قیام نمایند مؤیدند و
 موفق و مکرمند و مقرب الیوم امری جز این مؤید نہ در حدیث
 *** ص ۴۲ ***

قدسی است میفرماید مَنْ تَقَرَّبَ إِلَى شَيْءٍ اتَّقَرَّبَ إِلَيْهِ ذِرَاعاً این تقرّب
 بواسطہ هدایت نفوس است و انجذاب قلوب محافل تبلیغ هر چه
 بیشتر بخت **ولی** باید در نہایت حکمت باشد و در نہایت سکون و قرار
 مجری گردد تا سبب فزع جاهلان نشود و علت جزع بیخردان نگردد
 و اگر حکمت منظور نگردد مجالس نتیجه بالعکس بخشد و عليك التَّحِيَّة و التَّنَاء
 ع ع

طهران

جناب آقا میرزا علی اکبر میلانی علیه بھاء الله الأھمی ملاحظہ نمایند

هُوَالله ای ثابت بر پیمان لواجبی از امریکا واصل و در طی این لفافہ و
 بعضی بواسطہ جناب ایادی ابن ابھر علیہ بھاء الله الأھمی ارسال میگرد
 تا بخط خوشی بر **ورق** دلکشی و ترتیب ملیحی مرقوم نموده و در نہایت اتقان

طبع نموده ارسال بسایر ولایات نمایند این خدمت را بتو محول نمودم

*** ص ۴۳ ***

و البتّه نهایت دقت را بنما و بجهت طبع آنچه لازم است از ورق و مداد و اجرت مطبعه از جناب امین بموجب همین مکتوب بگیرد و علیک بماءالله
الأبھی ع ع

هُوالنّاشر ای دوست حقیقی در اینخصوص دقت نمائید که خطّ بسیار خوبی و طبع لطیفی و جناب مصوّر رحمانی نیز باید همت فرمایند که مکاتیب عمومی این عبد بخطّ بسیار ممتازی مرقوم و بطبع لطیفی مطبوع گردد سواد يك مکتوب مطبوع ملاحظه گردید بسیار سقیم بود بعضی مواقع نگرفته بود و محلّهای دیگر نیز که گرفته بود بد خط و بی رنگ بود ع ع

طهران آقا میرزا علی اکبر میلانی

هُوالله ای ثابت بر پیمان نامه رسید و حزن و اندوه شما سبب تأثر قلوب

گردید زیرا مرا آرزو چنان که تو دمبدم فرح و سرور بیشتر یابی و

*** ص ۴۴ ***

از بشارت الهیه بوجد و طرب آئی حال چون تو را محزون یافتم مغموم شدم ولی رجا از جمال ابھی دارم که تو را فرح و سروری بخشد که در هیچ موردی محزون نگردی یعنی فرح ابدی و روح و ریحان سرمدی یابی امه البهآء میس کلیفورد و مستر دریفوس و رفیقهء محترمه شان را از قبل من تحیت محترمانه بواسطه مکتوب برسان باری ای بنده صادق حق مقصد از مسافرت آنان این بود که سبب تذکر و تبّتل غافلان گردد ملاحظه نمایند که قوه کلمه الله چگونه در عالم امکان نفوذ نموده که از اقصی بلاد غرب نفوسی در نهایت اشتیاق و شوق بزیارت احبّای شرف روند و از این قضیه ارتباط احبّای الهی واضح و مشهود گردد ای ثابت بر پیمان محزون مباش من غمخوار تو هستم و بی نهایت مهربان از صدمات و عسرت در اینجهان فانی ملول مشو عیسی بن مریم را ملاحظه کن بقول ملای رومی گر در آتش رفت باید چون خلیل و ر چو یحیی میکنی خونم سبیل

*** ص ۴۵ ***

و ر چو یوسف چاه و زندانم کنی و ر ز فقرم عیسی مریم کنی سر نگردانم نگردم از تو من بھر فرمان تو دارم جان و تن تا توانی در تخلّق بأخلاق روحانیان بکوش و بنشر نفحات پرداز مکتوب جوف را برسانید و علیک التّحیة و الثّناء ع ع

*** ص ۴۶ ***

این صفحه خالی می باشد

*** ص ۴۷ ***

۹ طهران جناب آقا میرزا علی اکبر علیه بھاء الله الأھبی

ھوالله ای ثابت بر پیمان این ورقه را بخط بسیار خوشی چهل و پنجاه نسخه

مرقوم نموده در کمال سرعت بآطراف ارسال دارید ع ع

۹ طهران جناب آقا میرزا علی اکبر میلانی محب السلطان علیه بھاء الله الأھبی

*** ص ۴۸ ***

ھوالله ای بنده حق این نامه آقا میرزا احمد را طبع نموده بھر جا انتشار دهید ع ع

۹

طهران جناب محب السلطان آقا میرزا علی اکبر میلانی علیه بھاء الله الأھبی

ھوالله ای دوست حقیقی نامه رسید و از اثر خامه واضح و مشهود گشت که تمنای

فدا داری و آرزوی بذل جسم و جان تا این بلایا از این مسجون مدفوع گردد

و راحت و آسایشی حاصل شود این تمنا از شما دلیل ثبوت و رسوخ بر

میثاق است و سزاوار تحسین و آفرین ولی عبدالبھاء را نیز آرزویی و آن

اینکه فدای یاران گردد و بحببت دوستان بقربانگاہ عشق شتابد

اللھم قدر لی هذه الموهبة العظمی و انلنی هذه الكأس الدافقه بصھباء الوفاء

در خصوص مکالمه با شخص محرمی مرقوم نموده بودید بسیار موافق مقصود این است

*** ص ۴۹ ***

که بمأمورین دولت ابد مدّت عثمانیّه تفصیل را کما هو حقّه تفهیم نمائید که

حزب الله ابدأً در امور سیاسیّه مداخله نمایند بنص قاطع ممنوعند و هر نفسی از

این طایفه در امور سیاسی مداخله نماید باید دیگران از او دوری جویند بلکه تبری

نمایند و برهان بر این اینکه در این هیجانها و فسادها و انجمنها که در طهران

تشکیل شد بهائیان ابدأً مداخله نمودند و نزدیک رفتند و همین سبب ملامت دیگران

شد که بهائیان وطن پرست نیستند و همت و مروّت ندارند حامی استبدادند

و مروّج استقلال و حال آنکه بهائیان جان فدای جهانیان نمایند و

پرستش نوع انسان کنند ولی بنص قاطع مأمور بآنند که در هر مملکتی که هستند

بحکومت آن مملکت در نهایت صدق و امانت باشند و در این خصوص

نصوص متعدّده واقع بهائی رهبر راه دوستی و راستی بود و با علمیان

در صلح و آشتی حتّی اعدای خویش را احبّا شمرد و بدخواهان را خیرخواه گردد

جمال مبارک در بعضی الواح که در عراق صادر بصریح عبارت میفرمایند که اگر مخالف

شریعت الله نبود البتّه قاتل خویش را وارث خود مینمودم این است مسلک اهل بها خدمت بأخلاق کنند و ترویج خصائل و فضائل عالم انسانی نمایند خادم عمومند و جانفشان خصوص این نفوس را پروازی دیگر است و آوازی دیگر از جهان دیگر دم زنند و بعالم دیگر بخوانند جهان ناسوت تار و تنگ است ترقی در جهان ملکوت جویند از هر قید آزادند و از آلودگی جهان آب و رنگ بیزار دهقان الهی هستند و کشت حقیقت آبیاری نمایند مداخله در امور سیاسی عاقبت پشیمان نیست و لایسمن و لایغنی باید از عموم احزاب در کنار بود و افکار را در آنچه سبب عزّت ابدیّه انسان است بکار برد و علیک البهاء الأبهی ع ع

بواسطه جناب محب السلطان علیه بهاء الله

میرزا روح الله و میرزا فؤاد و والده محترمه ایشان علیهم بهاء الله الأبهی

هُوَالله ای منتسبین آن یار روحانی از خدا خواهم که گلشن ملکوت را نمال بیهمال گردید و ریاض احدیت را گلهاال معطر بیمنال از فیض سحاب عنایت پرورش یابید و بشبنم یم رحمانیت طراوت و لطافت بیمنتها جوئید و در این جوینار موهبت نشو و نما کنید و بفیض بیمنتها برسید از عنصر روحانی پدر مهربان باشید و زاده دل و جان آن مقرب درگاه یزدان و علیکم البهاء الأبهی ع ع

هُوَالله

بواسطه جناب آقا میرزا عبدالله صحیح فروش جناب آقا میرزا علی اکبر میلانی محب السلطان علیه بهاء الله الأبهی

هُوَالله ای ثابت مستقیم در وقتی که عبدالبهاء در نهایت تضرع و ابتهاال است بتو نامه نگارد و بکمال روح و ریحان مقاومت امواج طوفان حوادث

نماید و یاران را وصیت کند که از وقایع ارض اقدس ابدأ مضطرب و پریشان نشوند و در کمال استقامت ترویج نبأ عظیم فرمایند ای ثابت روحانی جناب میرزا احمد راپورت یکسال امریکا مرقوم نموده و تفصیل داده و این راپورت نظر باقتضای وقت مهم است لهذا باکمال استعجال رساله را طبع نموده بجمیع ولایات ارسال دارید و چند نسخه از برای خود آقا میرزا احمد نیز بفرستید و آنچه مصروف طبع رساله است از حضرت امین بگیریید و اما

این رساله را بدست خارج ندهید و البهآء علیک و علی کلّ ثابت ثابت ع ع

۹

طهران جناب آقا میرزا علی اکبر محبّ السّلطان علیه بهآء الله الأبهی

هُوَالله ای ثابت بر پیمان از فضل و موهبت رحمن بر میناق ثابتی و البتّه ناطق

گردی و تأییدی فائق یابی الیوم هر کس ثابت بر پیمان حضرت یزدانست

*** ص ۵۳ ***

جنود ملاً اعلیٰ نصرت نماید و ملائکه ملکوت ابھی تأیید فرماید بر هر امری اقدام کند ابواب مفتوح شود و صدور مشروح گردد بدرقه عنایت رسد و صبح امید بدمد و انوار تأیید بدرخشد مطمئن باش از پیش مرقوم شد که بعضی صحف و الواح مبارک و مکاتیب عمومی این عبد و خصوصی مفصّل را بکتابخانه پاریس بواسطه جناب دریفوس ارسال دارید و حال مکتوبی از ایشان از لندن **وارد**

و همین خواهش را از برای کتابخانه لندن فرموده اند لهذا مکتوب ایشان در جوف ارسال میگردد تا ملاحظه نمائید و بمقتضی آن مجری دارید شما رسائل را در نزد جناب منشادی ارسال کنید ایشان می‌رسانند و چون تحریر مصارفی دارد زیرا باید

خوشخط و بر کاغذ لطیف ظریف و پر دوام مرقوم گردد و تذهیب شود و ارسال

گردد جناب امین **مصروف** را تقدیم مینمایند و علیک البهآء الأبهی ع ع

۹ طهران جناب آقا میرزا علی اکبر میلانی علیه بهآء الله الأبهی

هُوَالله *** ص ۵۴ *** ای ثابت بر پیمان از پیش نامه مفصّل بشما ارسال

گردید حال نیز مختصر مرقوم

میشود جمیع آنچه مرقوم فرموده بودید از اختلال و اعتدال و اغتشاش و فتنه

و ولوله در ایران جمیع نتیجه عبارتست که بمحفل روحانی مرقوم گردید که اگر

چنانچه بشکرانه خونخواهی حضرت آقا سید یحیی در سیرجان بشود علّو و سَمّو مستمر

و الاّ یفعل الله ما یرید و یشاء اگر چنانکه در آن نامه و در نامه های دیگر

مرقوم شد معمول میگشت تا بحال ایران در نهایت اطمینان بود و حفظ و امان حاصل

شده بود خدا میفرماید **إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ** با وجود سنگساری

یاران در سنگسر و شهادت آن هیکل مقدّس در سیرجان و فتوای بر قتل

عموم یاران از مجتهد حجود در تبریز و شهادت دو نفس عزیز آیا امان و اطمینان

ممکن لاوالله مقصود این است اگر چنین نشده بود نهایت امن و امان

حاصل شده بود حال ما جمیعاً بدرگاه احدیّت نهایت تضرّع و ابتهاج مینمائیم

که این ابر سیاه از افق ایران متلاشی گردد و این غبار تیره بنشیند و این

*** ص ۵۵ ***

آتش افروخته خواموش شود دولت با ملّت مانند شیر و شکر آمیخته گردند

در حقّ جمیع دعا مینمائیم یاران الهی باید قطعاً تعلیلی نفرمایند و مقدار ذرّه ئی خودرأی نباشند بموجب دستورالعمل عمل فرمایند و آن اینست که اطاعت حکومت کنند و بدو طرف خیرخواه باشند و تا توانند سبب صلح و آسایش گردند ولی در نزاع و جدال قطعاً مداخله نکنند هر نفس بموجب این تعلیم صریح عمل نمود یقین است که مؤفّق گردد **وَأَلَا مِنْ الْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا** ع ع جناب آقا میرزا علی اکبر تفصیل مجلس مبعوثان شهرهای امریک که در شیکاگو بجهت بنای مشرق الأذکار جمع شده در جوفست بزودی طبع نمائید و بأطراف بفرستید ع ع

۹ طهران جناب آقا میرزا علی اکبر میلانی علیه بّمآءالله الأبهی

هُوَالله ای ثابت بر پیمان يك مجلد کتاب بواسطه جناب صنیع السلطان

*** ص ۵۶ ***

واصل گردید و يك مجلد از آثار مبارکه جمال ابھی جلّ اسمہ الأعظم نیز رسید و همچنین مجلد دیگر که هر دو بأحسن خطوط مرقوم و تذهیب کافی وافی گشته انشاءالله بکتابخانه اعظم لندره ارسال میگردد زیرا در آن کتبخانه بعضی از آثار مبارکه بیدترین خطوط موجود و بتمامها غلط در ایّام مبارک از طهران فرستاده بودند و بعضی از یاران در این ایّام در لندره آن الواح مغلوپه را استنساخ نموده خیال طبع و نشر داشتند فوراً منع نمودم و مرقوم شد که بمدير کتبخانه نیز تفهیم نمایند که آن آثار مقدّسه کلمات مبارکه که هر حرفی مقابل بأيجاد کائناتست مغلوپ است لهذا بخت آنست که آن الواح مغلوپه را محو فرمایند و در مقابل کتبی از آثار مبارکه صحیحه بأبدع خطوط مرقوم و ارسال شود لهذا این دو کتاب از آثار مبارکه ارسال بکتابخانه لندره میشود و البتّه شما نیز باز در آنجا از آثار مبارکه بقدر امکان صحیح غیر مغلوپ جمع نموده بأبدع خطوط مرقوم نمائید تا ارسال کتبخانه لندره گردد و آنچه مصروف آن است

*** ص ۵۷ ***

باید جناب امین ادا نماید و اما مکاتیب این عبد اهمّیتی ندارد مگر بعضی از مکاتیب مفصله که در دفع اوهام خلق و یا مفتریات ارباب جرائد و یا توضیح حشویّات بعضی کتب و رسائل که ردّ بر این امر مرقوم نموده اند آن مکاتیب اگر چنانچه نشر گردد ضرری ندارد لهذا شما جمیع همّت را در نشر الواح مقدّسه الهیّه مبذول دارید و يك مجلد که تازه از آثار مبارکه جمال قدم جمع و تحریر نموده اید و در دست تذهیب است زود اتمام نموده ارسال دارید که بکتابخانه مذکور ارسال شود ع ع

۹ طهران جناب آقا میرزا علی اکبر میلانی محب السلطان علیه بهاء الله العزیز

المتان

هو الله ای ثابت بر پیمان کتاب مبین قرین اطلاع گردید از مضامین معانی

دلنشین استنباط شد حمد خدا را که خادم امری و قائم بر عهد و ثابت
بر حبّ و نابت پرگل از حوادث ایام مرقوم نمودی این امواجست

*** ص ۵۸ ***

پیاپی میرسد و میگردد ولی بحر امرالله باقی و برقرار لیس له نفاذ البلد

الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبُثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا

نكيداً حضرت احدیت منهجی قویم و صراطی مستقیم ما را نمودند باید بر آن خط حرکت

نمائیم توجه بتأیید و توفیق او داشته و داریم و یقین است که کلمه الله نور مبین

آفاق گردد و جهان و جهانیان را روشن نماید این نزاع و جدال از کلّ اقالیم مرتفع

شود و دلبر وحدت عالم انسانی در قطب امکان جلوه نماید اینست تمنا و آرزوی این

مظلومان از ترتیب و ازدیاد محافل تبلیغ و همّت و خدمت یاران قدیم و جدید مزده

دادید این خبر بشارتی بود که بینهایت مسرت حاصل شد و علیک البهاء الأبهی ع ع

۹ طهران جناب آقا میرزا علی اکبر علیه بهاء الله الأبهی

هو الله ای ثابت بر پیمان نامه شما رسید و کتبی که بخطّ خویش مرقوم نموده

بودید جمیع مقبول گردید اگر چنانچه در ادارات دولتی کاری پیدا شود

*** ص ۵۹ ***

داخل شوید ولی باید نوعی سلوک و رفتار نمائید که سبب عزّت امرالله گردید

و علیک البهاء الأبهی ع ع

۹ طهران جناب آقا میرزا علی اکبر میلانی محب السلطان علیه بهاء الله

۹

این روزنامه را در غرب شخصی از خارج طبع نموده و فصلی مفصل در این امر

مرقوم نموده اگر چه سهو و خطا بسیار دارد از جمله مسئله پیغمبر عکا ولی چون

دلالت بر عظمت و علو امرالله مینماید و الفضل ما شهد به الاغیار

لهذا ارسال شد تا طبع نموده انتشار دهید ع ع

۹ طهران جناب آقا میرزا علی اکبر میلانی محب السلطان علیه بهاء الله الأبهی

هو الله ای ثابت بر پیمان نامه پنجم رمضان سنه ۱۳۲۷ وصول یافت حوادث

بسیار خوشی داشت که الحمدلله نفوس مهمّه بیدار شده و تشنه چشمه عذب

فراست حقیقت گشته و مشتاق دیدار دلبر اسرار گردید بکمال جدّ و جهد
 تحرّی حقیقت مینماید و طیر گلشن محبّت الله طائر کاشانه خویش را لانه و
 آشیانه مرغان نموده این خیر مورث سرور و حبور گردید از خدا خواهم که یاران و
 اِماءِ رحمن مظهر آیه مبارکه وَ بِالنَّجْمِ هُمْ مُهْتَدُونَ گردند و آنجناب
 الحمدلله بکمال جهد موفق بر خدمتید کانتک خُلِّقَتْ لهذا مجموعه آثار
 مبارکه بخطّ خوش رسید و انشاءالله بکتابخانهای معتبره اروپا ارسال میگردد
 سراج باریک جناب آقا سید صادق را از قبل من نهایت محبّت و
 اشتیاق ابلاغ دارید فی الحقیقه ایشان بسیار زحمت میکشند و از ایشان
 خجالت دارم نامه ئی بجناب آقا حسینعلی بیک ارسال گردید برسانید
 و علیک البهاء الأبهی ع ع

طهران جناب آقا میرزا **علی اکبر** میلانی علیه بهاء الله الأبهی

هو الله ای ثابت بر پیمان نامه شما با سواد عکس انداخته دو مکتوب رسید
 فی الحقیقه آنجناب نهایت زحمت را تحمل مینمائید و بخدمت **می پردازید**
 این خدمات دلیل عبودیت درگاه کبریا و توجه بملکوت ابھی است
 امیدوارم که همیشه موفق و مؤید باشی حکایت از فساد و فتنه یجاییها
 نموده بودید که بافترا قیام نموده اند و شب و روز راپورت بحکومت میدهند
 شما بر صلح و سلام و محبّت و خیرخواهی عموم ملت و صداقت بحکومت و
 عدم مداخله در امور سیاست مداومت نمائید سهام افتزائی که از آنان
 پُران است بسینه خود آنها راجع گردد شما در فکر آن باشید که نزاع و
 جدال در بین عموم بشر زائل گردد و اساس اتّحاد و اتّفاق و وحدت
 عالم انسانی گذاشته گردد دیگر هیچ غصّه نداشته باشید و
 علیک البهاء الأبهی ع ع

۹ طهران جناب آقا میرزا **علی اکبر** میلانی محبّ **السلطان** علیه بهاء الله الأبهی

نامه شما رسید از تأسیس محفل روحانی در طبرستان مرقوم نموده بودید بسیار سبب
 سرور گردید امیدوارم که استقامت نمایند و بجمّت برخیزند و بنفحات
 قدس منجذب گردند و بنوایای صادقه مبعوث شوند محو و فانی باشند
 و ساعی در اعلاء کلمه الهی **حضرات** ایادی امرالله علیهم بهاء الله الأبهی

از اعضای اولیّه و ارکان محفل روحانی هستند و صاحب رأی خطوطی که ارسال نموده بودند واصل گردید فی الحقیقه زحمت بسیار کشیده بودید و علیک البهاء الأبهی ع ع

۹ طهران جناب آقا میرزا علی اکبر علیه بقاء الله الأبهی

هو الله نامه شما رسید و مفتریات اهل حجیات معلوم و واضح گردید جوابی در این خصوص مرقوم شد و ارسال گشت تا طبع نموده در میان احبّاء انتشار دهید

*** ص ۶۳ ***

ولی بسیار احتیاط کنید که بدست یحیائیهها نیفتد و آن مکتوب ارسال گشت نزد جناب امین بشما خواهد رسید اینگونه امور اهمیتی ندارد وَ رَبُّنَا هَذَا بُجْتَانُ عَظِيمٍ در حقّ مظلومین تحقیق و تقرّر خواهد یافت لایقینی لِعُلَمَاءِ الشُّوءِ إِلَّا بِمَسِّ الْقُرَارِ سَيَجْعَلُهُمُ اللَّهُ مِمَّنْ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ وَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمَبِينُ و علیک البهاء الأبهی ع ع

هو الله

طهران جناب آقا میرزا علی اکبر میلانی محبّ السلطان علیه بقاء الله الأبهی

هو الله ای ثابت بر پیمان مکتوبی که در مدافعه بر مفتریات اهل نجف اشرف مرقوم شده البتّه ضبط نمائید و سوادش را بکسی ندهید زیرا بدست یحیائیهها میافتد و بنجف ارسال میدارند و سبب ازدیاد بغض و عداوت میگردد البتّه البتّه ضبط نمائید ملاحظه در جریدهء حبل المتین نمائید که

*** ص ۶۴ ***

جمع این شیوعات از یحیائیههاست ع ع

۹

طهران جناب آقا میرزا علی اکبر میلانی علیه بقاء الله

هو الله ای ثابت بر پیمان نامه شما رسید مضمون معلوم گردید ان انجمن با رئیس فی الحقیقه بخدمات آسمانی مشغول و بعبودیت بارگاه الهی معروف مؤیدند و موفق معززند و محترم از الطاف بی پایان امید چنان است که بخدمات کلّی موفق گردند و در این میدان سبقت گیرند انّ ربّی هو المویّد الموقّق الکریم ناصر المله بجزای خویش رسید و همچنین موقّر السلطنه پاداش ظلم و ستم خود نائل گردید ولی چه فائده کسی متنبّه نگردد نفسی متذکّر نشود

لَا تُعْجِبُ الْآيَاتِ وَ النُّذُرِ أَمَا نَفُوسِي أَمْ أَحِبَّاءًا كَمَا فِي حُكُومَتِ
مُسْتَعْدِمِنْد بَايْد بِنَهَايْت صِدَاقَتِ وَ اَمَانَتِ وَ عَقَّتِ وَ اسْتِقَامَتِ وَ پَاكِي وَ آزَادَكِي

*** ص ٦٥ ***

خُدْمَتِ نَمَايِنْد دَاْمَنِ خُوِيْشِ بِمَنَافِعِ شَخْصِيَّهِ نِيَا لَائِنْدِ وَ بِسَبَبِ دُنْيَايِ فَا نِيَهِ خُودِ رَا
بِدَنَامِ وَ مَحْرُومِ اَزِ دَرْگَاهِ كَبْرِيَا نَكُنْنِدِ وَ چُونِ دَرِ اَمُورِ حُكُومَتِ مُسْتَعْدِمِنْدِ مَجْبُورِ
بِخُدْمَتِنْدِ اَيْنِ مَدَاخَلِهِ دَرِ اَمُورِ سِيَا سِي نِيَسْتِ زِيْرَا اَيْنِ نَفُوسِ تَكْلِيْفِ مَأْمُورِيَّتِ خُوِيْشِ رَا
مَجْرِي مِيْدَارِنْدِ اَزِ مَدَاخَلِهِ دَرِ اَمُورِ سِيَا سِيَّهِ كَسَا نِي مَمْنُوعِ كِه مَأْمُورِيَّتِي نَدَارِنْدِ
وَ تَعَلَّقِ بِحُكُومَتِ نَدَا شْتِهِ اِنْدِ مَدَاخَلِهِ دَرِ اَمُورِ سِيَا سِي خَارِجِ اَزِ وَظَايِفِ
ايشان است و عليك البهاء الأبهى ع ع

٩

طهران جناب آقا میرزا علی اکبر میلانی علیه بھاء الله الأبهى

هُوَاللهِ اِي ثَابِتِ بَرِ پِيْمَانِ نَامِه شَمَا رَسِيْدِ مَحْزُونِ مَبَاشِ مَغْمُومِ مَكْرَدِ دَرِ
وَقُوعَاتِ مَذْكُورِه حُكْمَتِ مُسْتُورِه مَوْجُودِ مَنِ بَعْدِ ظَاهِرِ وَ اَشْكَارِ گَرْدِ اَيْنِ
عَزَلِ اِنْشَاءِ اللهِ مَوْرَثِ نَصْبِ خُوَاعِدِ گَرْدِيْدِ نَفُوسِي عَلِيْلِهِ كِه دَرِ خَاْنِهِ اَمَةِ اللهِ

*** ص ٦٦ ***

الْمَنْجَذِبِه بَمَرَضِ حَصْبِه اِفْتَادِه اِنْدِ الطَّافِ شَامِلِ اسْتِ وَ عِنَايَتِ حَقِّ كَامَلِ وَقُوعِ
اَيْنِ حُوَاعِدِ نَبَايْدِ سَبَبِ اِحْزَانِ شُودِ بَلَكِه بَايْدِ بَشْكَرَانِه مَقَابِلِي نَمُودِ اَزِ اِيْرَانِ مَرْقُومِ
نَمُودِيْدِ كِه پَرِيْشَانِ اسْتِ بَكْرَاتِ وَ مَرَاتِ دَرِ جَمِيْعِ مَكَاتِبَاتِ بَصْرِيْحِ عِبَارَتِ اَزِ
چِنْدِ سَالِ پِيْشِ خَيْرِ دَاْدِه شُدِ كِه دَوْلَتِ وَ مَلَّتِ بَايْدِ مَانَنْدِ شِيْرِ وَ شَهْدِ اَمِيْخْتِه بَا يَكْدِيْگَرِ
گَرْدِ وَ اَلَا زِيَانِ وَ خَسْرَانِ مَحْقُقِ وَ مَقْرَّرِ وَ عَاقِبَتِ اَيْنِ اِخْتِلَافِ مَنَجْرِ بِمَدَاخَلِهِ دَوْلِ
مَجَاوَرِه گَرْدِ بَعْدِ طَرْفِيْنِ پَرِيْشَانِ وَ پَشِيْمَانِ شُونْدِ لَكِنْ بِي ثَمْرِ خُوَاعِدِ بُوْدِ حَالِ بَايْدِ
بِذِيْلِ كَبْرِيَا تَشْبِيْثِ نَمَايِنْدِ وَ بَكْهَفِ اِمَانِ التَّجَا كُنْنِدِ جِزِ پَنَاهِ حَقِّ چَاْرِهِ وَ
پَنَاهِي نِه تَا اَيْنِ مَشْكَلَاتِ بِيْبَايَانِ پَايَانِي يَابْدِ وَ اَيْنِ خَلَلِ اِنْتِهَا جُوِيْدِ عَلِي الْخُصُوصِ
كِه چِنِيْنِ وَقُوعَاتِ كِه شَخْصِ صَادِقِ غِيُورِ بَدُونِ سَبَبِ مَعْزُولِ وَ مَقْهُورِ بَا وَجُودِ
اَيْنِ اَمِيْدِ فَلَاحِ وَ نَجَاحِ عَلِي الْخُصُوصِ مَدَاخَلِهِ اَمْتِ يَحْيِي وَ عَلِيْكَ
البهاء الأبهى ع ع

٩ طهران جناب آقا میرزا علی اکبر علیه بھاء الله الأبهى

*** ص ٦٧ ***

هُوَاللهِ اِي ثَابِتِ بَرِ پِيْمَانِ نَامِه شَمَا رَسِيْدِ وَ مَلَاخِظِه گَرْدِيْدِ حَقِّ بَا شَمَا سْتِ
اِذْنِ حُضُورِ خُوَاسْتِه بُوْدِيْدِ مَنِ نِيْزِ دَرِ نَهَايَتِ اسْتِيْقَامِ وُلِي وَجُودِ شَمَا اِلَانِ

در انجا بسیار لازم هر اوراقی که میخواهیم میفرستیم نزد شما که طبع نمائید و نشر کنید خدمت **باستان** جمال ابھی امر عظیمی است یعنی اعظم از ملاقات با عبدالبهاست لهذا شما پیوسته در فکر آن باشید که بعبودیت آستان مقدس اسم اعظم روحی لأحبائہ الفداء قیام نمائید در نظری و در محضری و پیش بصری مطمئن باش از عدم فرصت مختصر محرز میگردد و

علیک البهاء الأبهی ع ع

۹ طهران جناب آقا میرزا علی اکبر میلانی علیه بھاء الله الأبهی

هو الله ای ثابت بر پیمان نامه مفصل شما ملاحظه گردید و از معانی آن انجذاب
*** ص ۶۸ ***

بأنوار جمال رحمانی واضح و مشهود بود حمد کن خدا را که فانی در امر اللہی و جز رضای حق مقصدی نداری و در صون حمایت حضرت پروردگاری بشارت اتحاد و یگانگی احباً بسیار سبب سرور و جہور گردید اگر این وحدت اصفیا تأسس تام یابد در اندک زمان طهران جنت رضوان شود و آن سرزمین بہشت برین گردد یک مجلد از آثار مبارکہ کہ بخط خویش در نہایت خوشنویسی مرقوم نموده بودید بسیار مقبول گردید فی الحقیقہ کلک مشکین آن یار نازنین دُرّ ثمین بر اوراق نثار مینماید بجناب احمد علیخان و جناب میرزا حاجی آقا نہایت اشتیاق از قبل عبدالبھاء ابلاغ دار و همچنین بجناب آقا میرزا رحیم خان تحیت ابدع ابھی برسان و بگو کہ تو مطمئن بفضل و عنایت حضرت رحمن باش از هیچ حادثہ ئی محزون مگرد زیرا منظور نظر عنایتی و مشمول الطاف حضرت رحمانیت احیاناً اگر در **امور موقت** ادنی فتوری حاصل شود ولی عاقبت ریح و سود موفور است شجر اگر از باد خزان
*** ص ۶۹ ***

بی برگ گردد بہار در پیش است بی نہایت سبز و خرم شود بیقین مبین بدان کہ بندگان جمال ابھی در هر صورت موفق و مظفرند تو گرو بردی اگر جفت و اگر طاق آید **باقا** روح الله و آقا فؤاد و آقا منوچہر نہایت مہربانی از قبل عبدالبھا ابلاغ دار مختصر مرقوم گردید معذور دارید و علیک البھاء الابھی ع ع

۹

طهران جناب آقا میرزا علی اکبر میلانی علیه بھاء الله الأبهی

هو الله نامه های مطبوعه عبدالبھاء کہ بخط خوش خویش طبع نموده بودید رسید فی الحقیقہ

بسیار ممتاز و خوش طبع بود نسئل الله ان یؤتک و یکافیک و یجازیک
جزاً حسناً علی هذه الخدمات فی الحقیقه بخدمت مشغول و از مادون
حق بیزار بیقین بدان که در درگاه جمال مبارک بنده مقربى که موقّ باین خدمات
شدى هذا من فضل ربك الرحمن الرحيم اما مکتوبی که بآلسنه ثلاثه مرقوم

*** ص ۷۰ ***

گردیده بسیار بامزه است علی الخصوص عبارت شلیک فی الحقیقه در صخرهء
صماء تأثیر دارد و اما قضیهء عزل شما احبباء الهی غافل و یحیائیه شب و روز
در فساد بحر حزبی که برسند بهائیان را بحزبی دیگر که ضد آن حزب است نسبت دهند
چنانکه در پیش انقلابیون بهتتان عظیم شهرت دادند که بهائیان جمیعاً از
اعتدالیونند و دشمن انقلابیون لهذا ستارخان گفته بود که فتوای علما را در حق
بهائیان باید مجری داشت تا حزب ما قوت گیرد ولی خدا باو مهلت نداد بل رجوع
کیده الی نحره حال که انقلابیون مقهور شده اند یحیائیه در نزد جمهور اعتدالیون
علی الخصوص یفرم خان قلم داده اند که بهائیان حامی انقلابیونند و اکثر این
فسادها را میرزا یحیی و صدرالعلما و ذکاء الملک مینمایند و احببای الهی مشغول
بمجاججه در امور جزئیة مثل امور مدرسه لهذا شما باید خود این قضیه را بیفرم
خان بفهمانی که جناب ستار این خیال را داشت و محرک او صدرالعلما
و میرزا یحیی بودند و حال آنکه این یحیائیه اول حزب ظل السلطان بودند

*** ص ۷۱ ***

و از او مبلغ گزارف گرفتند که در سلطنت او بکوشند و متصل او را نوید
دادند که این تخت و تاج مال تو است چون امور ظل السلطان را متزلزل
دیدند محابره بسالار الدوله کردند که تخت و تاج حاضر و مال تو است فوراً بطهران
بیا و چون او منکوب شد داخل در حزب انقلاب گشتند و عریده ئی
انداختند و افترا زدند که بهائیان طرفدار استبدادند و بمستبدان فهماندند
که بهائیان مشروطه طلبانند حتی بمیرزا فضل الله نوری مصلوب بوسائط
چنین فهماندند این بود که میرزا فضل الله آن اعلان قبیح را نوشت و چاپ کرد و بر
در دیوار طهران چسبانید که مؤسس مشروطه بهائیانند زیرا در کتاب
اقدس آنان چهل سال پیش این انقلاب منصوص گردیده و اثبات معجزه
میخواهند بنمایند و میخواهند حرّیت حاصل نمایند تا کتب و صحائف
باب و بماء الله و عباس افندی را بکمال حرّیت طبع نمایند و انتشار
دهند یحیائیه بوساطی نزد میرزا فضل الله نوری اینطور سعایت نمودند

*** ص ۷۲ ***

بعد که انقلاب حاصل شد یحیائیه پیش مشروطه طلبان بهائیان را از حزب

استبداد قلم دادند بعد که آزادی طلبان دو فرقه شدند پیش ستارخان بهائیان را از اعتدالیون قلم دادند حال ملاحظه کردند که حزب انقلاب مغلوب در نزد اعتدالیون بهائیان را انقلابیون شهرت میدهند و احباء الهی نیز در خواب این نفوس مفتزیه در رگ و ریشه احزاب مختلفه حلول نموده اند و ایران را نمیگذارند آرام گیرد و هر فسادی میخوانند میکنند و سروران مملکت بکلی از این قضیه غافل و احباء الهی نیز ساکت و بمحاججات امور جزئی مشغول معلوم است نتیجه اگر چند نفری از احباب در مناصب جزئی باشند آنان نیز منفصل گردند باری این نامه را بمحفل روحانی تقدیم نمائید تا ملاحظه نمایند و بموجب آن معمول دارند و علیکم البهاء الأبهی ع ع

۹ طهران جناب آقا میرزا علی اکبر میلانی علیه بھاءالله الأبهی

*** ص ۷۳ ***

هُوالله ای یار قدیم دستخط شریف وصول یافت اگر چند زمانی در تحریر تقصیر حاصل این بسبب این سفر بعید بود و مشغولی زیاد بجان یاران قسم که شب و روز آرام نداشتیم از هجوم امور مجبور بر این قصور شدم و از پیش عذر خواستم که وهنی در روابط حُبّ حاصل نه اما قصور از تبلیغ شبانه روز در فرنگستان و هجوم مردمان که مانع از تحریرات بودند باری امیدم چنان است که بعد از طوفان روح و ریحان حاصل گردد نه در طهران این سختی و شدت و زحمت عمومی است بلکه جمیع بشر در مشکلات بیحد و حصر افتاده فریاد از جمیع جهات بلند است يك مجلد کتاب که ارسال نموده بوده بودید رسید و بسیار مقبول افتاد آنچه رسائل اینعبد مرقوم میدارید و طبع و نشر میفرمائید باید رسائل عمومی باشد نه خصوصی جناب آقا سیّد صادق الحق در بوستان خدمت نخل باسق است و در مذاق روحانیان شاهد فائق دقیقهئی فتور ندارد و قصور ننماید جلد کتاب اثر قلم مشکباز او در نهایت اتقان بود و همچنین جناب آقا میرزا حسن

*** ص ۷۴ ***

مذھب تذهیبی که نموده بودند در نهایت لطافت بود و علیکم البهاء الأبهی ع ع

۹

طهران جناب آقا میرزا علی اکبر میلانی علیه بھاءالله الأبهی

هُوالله ای جوان نورانی در خصوص امتحان سالیانه مدرسه تربیت مرقوم نموده بودید فی الحقیقه ارکان مدرسه سزاوار نهایت ستایش و تمجیدند که موفق بخدمت آستان مقدّسند مجلس جشنی که فراهم آمد چون خبر رسید محفل عبدالبهاء بهشت برین شد زیرا نهایت سرور حاصل گشت که الحمدلله کل موفق بخدمتند و علیکم

۹ طهران جناب آقا میرزا علی اکبر میلانی علیه بھاء اللہ الأبهى

هو الله عزیز مہربان من نامہ کہ باقا سید اسد اللہ مرقوم نموده بودید ملاحظہ

*** ص ۷۵ ***

گشت دلالت بر مسرت و بشاشت آن یار روحانی داشت از اینجہت شادمانی
میدول داشت مدتی بود کہ مانند مرغان بی لانه و آشیانہ آوارہ اقلیم شاسعہ
بودم گھی در اوج جبال و تلال و گھی در حوض وادی و بوادی پویان
ولی بنیہ ناتوان با وجود این از کران تا بکران در ممالک امریک و اروپ
سیر و حرکت شد و با وجود عجز و ضعف در اکثر محافل و مجامع حاضر و با نطق
قاصر اعلان ظہور مجلی طور میگشت و تعالیم حضرت دوست تصریح و تفصیل میشد
در بوداپست مزاج ابداً ابتہاج نداشت جسد علیل و نوازل صدریہ شدید و
تب عصبی پی در پی و هوا در نہایت سردی با وجود این در ہر روز و شب
در سہ محفل و مجامع عظمی نطق میشد این ماعدای سوال و جواب با دیگران در منزل
علی الخصوص شبانہ بمحلی میرفتیم کہ صد و بیست پلہ داشت از سنگ مرمر نظیر زمہریر
بود با نہایت ناتوانی و خستگی صعود میشد و دو ساعت متماداً نطق و بیان
می گشت و اعلاء کلمۃ اللہ میگشت و نطق ترجمہ مفصل میشد با وجود این

*** ص ۷۶ ***

زحمت و مشقت در نہایت مسرت بودم کہ ایام باشغال امور دیگر نمیگذشت
و پی در پی تأییدات جمال مبارک میرسید جز تبلیغ کلمہ ئی از لسان صادر
نمیشد لکن جسد ابداً تحمل این مشقت نمینمود و کلی بتحلیل رفت و چون
باقلیم مصر رسیدم ضعف و ناتوانی و انحلال و تب عصبی استیلای تام یافت
لہذا ایامی چند بسکوت گذشت بمجرّد خفت مرض و حصول ادنی قوت
بتحریر پرداختم و **بان** روح مجرّد نامہ مینگارم کہ جمیع بدانید امروز تبلیغ
مؤید و موفق است و مادون آن سبب کدورت و خمودت و جمودت الی
ابدالآباد لہذا احبای الہی باید روش این عبد فانی گیرند و ہر امری را
فراموش کنند و مانند نفوس مقدّسہ کہ بصحرای فدا شتافتند و در قربانگاہ
رقص کنان جانبازی نمودند ہمین قسم از ہر فکری و از ہر ذکری بیزار گردند
و بعبودیت آستان مقدّس پردازند و منقطعاً الی اللہ و منجذباً
بنفحات اللہ و مستبشراً ببشارت اللہ ندا بملکوت ابھی فرمایند

*** ص ۷۷ ***

و علیک البهاء الأبهی عبدالبهاء عباس

طهران جناب آقا میرزا علی اکبر میلانی علیه بهاء الله الأبهی

هو الله ای ثابت بر پیمان چندی بود که مکاتبه با شما تأخیر افتاد و این نظر بموانع واقعه بود چندی **ورقاء** ایکه عبودیت از بدایع الحان ساکت و صامت بود حال بعون و عنایت جمال ابھی روحی لأحبائه الفداء دوباره باهنگ آمد و بنای تحریر مکاتیب عمومی شد که نامه نگاشته شود تا در شرق و غرب انتشار یابد همیشه در نظری و در حق تو دعا مینمایم که عون و عنایت حضرت احدیت شامل حال باشد لهذا يك نامه عمومی مرقوم شد ارسال میگردد تا انکه بخط بسیار خوب مرقوم نمائید و طبع نموده بجمیع اطراف بفرستید جمیع یاران را تحیت ابدع ابھی ابلاغ دارید و علیک البهاء الأبهی عبدالبهاء عباس

۹ طهران جناب آقا میرزا علی اکبر میلانی علیه بهاء الله الأبهی

*** ص ۷۸ ***

هو الله ای ثابت ثابت این دو کتاب که جناب آقا میرزا علی اکبر جمع نموده اند باید بترتیب منتظماً طبع و نشر شود و مصارف طبع را جناب امین بدهد عبدالبهاء عباس

طهران جناب آقا میرزا علی اکبر محب السلطان علیه بهاء الله الأبهی

هو الله ای ثابت بر پیمان خدماتت در آستان مقدس معروف و مشهور و مساعیت در سبیل الهی مقبول و مشکور و قلمت در نشر اوراق دائم الجولان و قلبت از اهتزاز بنفحات الله در طیران وقت آن آمد که جنبشی تازه نمائی و کوششی بی اندازه فرمائی تا تخم افشاننده سنبلات خضر برویاند و اشجار پر برگ و شکوفه میوه بیار آرد هر طفل رضیعی ببلوغ رسد اینست نهایت آمال عاشقان و اینست امید شدید مشتاقان

*** ص ۷۸ ***

و علیک البهاء الأبهی ۳ ربیع الثانی ۱۳۳۷ عبدالبهاء عباس

طهران

حضرت میرزا علی اکبر میلانی علیه بهاء الله الأبهی

هو الله ای ثابت بر پیمان نامه شما ترتیل گردید عبدالبهاء در سحرگاه تضرع

باستان بها نماید و تو را تأیید پیاپی تمنا کند و امید شدید است که در صون حمایت محفوظ و مصون مانید در نامه مرقوم نموده بودید که یاران در این طوفان شدید در خدمات ساعی بودند و بالنسبه بسایر طوائف در امن و امان زیستند صحیح چنان است جمیع ملل و نحل فی الحقیقه مضمحل شدند یعنی قوا بتحلیل رفت و راحت و آسایش باشنع حالات تبدیل شد رئیس وزرای دولت عادلہ در مجلس ملت چنین حقیقت حال را تشریح مینماید که هفت ملیون عسکر ما مسلح شد و بناثره حرب و قتال پنجسال مبتلا بود

*** ص ۸۰ ***

سه ملیون سرنگون شد و يك ملیون سقط و معیوب گردید و مصروف حرب شش میلیارد لیره است هر میلیارد هزار ملیون یعنی شصت هزار کرور دیگر ملاحظه نمائید که سائرین بچه ضرر و آزار گرفتار الحمدلله احبای الهی برکت تعالیم بماء الله از هر صدمه عاری و محفوظ و مصون در پناه حضرت باری و الحمدلله احبای طهران در این سالهای جنگ نغمه و آهنگ بملکوت ابھی رسانند آرام نیافتند سکون و قرار نخواستند حتی الامکان جنبش فرزانه نمودند و حرکت مردانه بنمودند حال باید به تبلیغ و تقلیب نفوس پردازند امر تبلیغ بسیار عظیم است زیرا نفوس را تقلیب کند و از شمال نفس و هوی بیمین عقل و نُهی کشاند و از عالم ظلمات بعرصه نور درآرد امر تبلیغ را اهمیت کبری دهید و چنانکه در الواح الهی نازل که بر هر نفسی فرضست که در هر سالی یکنفر هدایت نماید یعنی با نفسی طرح الفت اندازد و بکمال محبت و رأفت دیده بصیرت او بگشاید و اساس دین الله را تفهیم نماید

*** ص ۸۱ ***

باری از اطراف فریاد آئین المبلّغ آئین المبلّغ بلند است و ارباب تبلیغ بسیار کم از این جهت قلب عبدالبهاء در نهایت حزن و الم این ایام که نصرت ملکوت ابھی پی در پی میرسد و افواج مالأ اعلی حاضر و مهیا تا نفسی در میدان تبلیغ جولان نماید این جیوش عظیمه هجوم کند و تأیید آن شخص فرید نماید الحمدلله در هر اقلیم امن و امان است و طالبان بیحد و پایان عبدالبهاء با وجود ضعف بنیه و حلول امراض در حالتی که سه مرض مستولی از ارض مقدّسه بافریک و اروپ و امریک سفر نمود چهار سال در محافل عظمی و در مجامع کبری با وجود ضعف قوی نعره زنان تبلیغ کرد باری در سنین حالیه میتوان در يك ماه کار یک سال نمود فرصت را از دست مدهید غنیمت شمردید و هر فکری را فراموش نمائید و بتمام قوت حرکت

شیرانه نمائید تا ملاحظه شود که قوت ملکوت چگونه تأیید مینماید تا توانید
بأطراف مبلغ بفرستید تا طهران مرکز سنوحات رحمانیه گردد و

*** ص ۸۲ ***

علیکم البهاء الأبهی ۷ ایلول ۱۹۱۹ عبدالبهاء عباس

طهران بواسطه آقا میرزا علی اکبر میلانی علیه بهاء الله الأبهی
اسلاء اجلاء روح الله و فؤاد و منوچهر و طاهره و مسعود و والده
محترمه شان علیهم بهاء الله الأبهی

هو الله ای خاندان بنده بهاء برکتی از ربّ البرهان از برای آن دودمان خواهم
که در ظلّ شجره رحمانیت نشو و نما کنند و بغیض ملکوت ابھی ترقی نامتناهی
نمایند تا هر يك گلشن اسرار را سرو روان گردند و جنت ابھی را
نهای بیهمال شوند از جویبار هدایت کبری سیراب باشند و از نسیم
جانبخش موهبت عظمی در اهتزاز یقین است چون بثمر رسند نتیجه و
اثر عظیم خواهند داشت و در سایه شجره طوبی و سدره منتهی تربیت خواهند شد
و موهبت کبری خواهند یافت و علیکم البهاء الأبهی ۹ ذیحجه سنه ۳۷ عبدالبهاء
عباس

*** ص ۸۳ ***

طهران جناب میرزا علی اکبر روحانی میلانی علیه بهاء الله الأبهی

هو الله ای ثابت بر پیمان از عدم فرصت جواب مختصر است نامه ملاحظه
گردید در این خصوص بوسیله تشبث شد تا امور انتظام یابد اگر در
این چند ماه آینده مأمول حاصل نگردید دوباره حقیقت حال را مرقوم
فرمائید و علیک البهاء الأبهی ۵ کانون ثانی ۱۹۲۰ حیف عبدالبهاء عباس

طهران جناب میرزا علی اکبر محبّ السلطان

هو الله ای ثابت بر پیمان بیت مکرم در بغداد اکثر مواقعش ویران شده بود
خواستم که بتأسیس پردازم چون مباشرت بتعمیر نمودند عموم اهل بغداد هجوم
نمودند بأنواع دسائس و حیل بواسطه محکمه حکومت بر حرم مستولی شدند
و خادمان را اخراج نمودند خانه از دست رفت بعد تلغرافی بوالا

*** ص ۸۴ ***

حضرت نقیب که در بغداد رئیس الوزراست زدم حضرت نقیب بهمت

برخاست و خانه را از دست غاصبین استرداد کرد به ۲۰۰۰ تسلیم نمود حال مشغول
تأسیس و تعمیر و ترمیمند لهذا مرا مقصد چنان که مشارالیه مطلع و واقف گردد
که بمائیان با وفا و قدردان هستند لهذا شما این ورقه را که در جوفست بر روی
کاغذ لطیفی بخط بسیار خوشی بنویسید و با پسته رأساً بیغداد ارسال دارید
عبدالبهاء عباس ۱۵ رمضان ۱۳۳۹ حیفا

بواسطه آقا غلامعلی جناب آقا میرزا علی اکبر روحانی میلانی

هو الأیھی ای ثابت بر پیمان در ذیل نامه آقا میرزا محمد علیخان بهائی نامه شما رسید

جناب مشارالیه مرقوم نمائید که تا بحال آن تراب اغبر بخون شهیدان
لاله احمر نگشته بود حال باین دم مظهر رنگین شد و یقین بدان که
عاقبت بهشت برین شود از وقایع مؤله محزون مباش نظر
به نتایج مبرمه نما حضرت یعقوب از رایحه قمیص یوسف الهی چنان
سرمست شد که رقص کنان بمیدان فدا شتافت عالم امکان
از این قربانی متأثر گشت تا چه رسد بکرمانشاهان الحمدلله مؤسس
سری این قضیه بجزای عمل خویش رسید و امید چنان است که حکومت
عادله ئی بمیان آید تا بعدل و انصاف
پردازد و مظهر حضرت رحمن الرحیم
گردد و علیک البهاء الأیھی
۱۱ ذی قعدة ۱۳۳۹ حیفا
عبدالبهاء عباس

اصل این الواح مقدسه مبارکه اطاعةً لأمر الأقدس الاعلی تماماً بحضور مبارک حضرت ولی امرالله ارواحنا له الفداء تقدیم
و رسید عنایت فرموده جزو یک مجلد مرقع ابلاغیه های مبارک ضبط میباشد در سنه ۱۳۱۶ فانی علی اکبر روحانی

بعون الله و تأییده این الواح مقدسه را که بافتخار این بنده نالایق شرف نزول یافته برسم یادگار برای نور چشم عزیزم روح الله روحانی
حفظه الله و عتره استنساخ نمودم که از پدرشان بادی بنمایند سنه ۱۳۱۸ شمسی و سنه ۹۶ بیانی
فانی علی اکبر روحانی

(شماره ۷۹، حضرت عبدالبها)

^۲ کلمه ای خوانده نشد. احتمالاً «خادمها».